

داستان زندگی لوطی صادق

نویسنده: محمد مازمل (بهبهان)

قسمت سیزدهم

لوطی در حالی که سعی می کرد آن ها را از هم جدا کند گفت: صبر کنید و دستش را توی جیب هایش فرو برد و شش قران را بیرون آورد و به مرد طلبکار داد و گفت: این هم بهدهکاری این مرد. مگه دیگه حرفی هم دارین؟ مرد طلبکار گفت: آخه شما چرا لوطی؟ لوطی سکه ها را ریخت توی دست مرد طلبکار و گفت: - فرقی نمی کنه آقا برین به امون خدا. برین دست از سرش و درارین. طلبکار پول ها را گرفت و با کمال شرمندگی از لوطی صادق تشکر کرد و خواست دست او را بوسه دهد اما لوطی مانع این کار شد و کنار او زانو زمین زد و دوستانه گفت:

مرد حسابی، پولی را که روشن این همه بدبختی می کشی، می دی به شیطان؟ با این زین همرای که می خوری، آتش دنیا و آخرت رو برا خودت می خوری، دست و درار برادر تر کش کن. حیف نیست که مردی مثل تو اسیر این ام‌الخیائث بشه؟

مرد پاسخ داد: به خدا همه اش از سر بدبختیه، از بیچارگیه، می خوام از غصه دنیا فرار کنم خدا بر دلمو درد و غصه کرده، می خوام با این تلخابه یه ذره کیه مرگمو بذارم و آسوده بشم. این درد رو خدا برا من خواسته، او نصیب و قسمت کرده.

لوطی سر گرما هایش را در هم کشید و گفت: برادر انگار غصه دنیا عقل تو ازت گرفته؟ مرد مو من، این درد و غصه ها چه کاری به خدا داره؟ اینا دردهای دنیاس خدا با دنیای ما چه کار داره. این ماها خودمونیم که برا خودمون درد و غصه پول و زن و حرص و مقام درست می کنیم بعدش میگی این قسمت خداس، والله خدا به آن چیزا کاری نداره و بد ما رو نمی خواد کمه می شه به پدر بد اولادش را بخواد. خداوند سبحان این قدر برا بنده هاش مهربون و دل سوزه که پدر و مادرا قند اندازه یه ذره اون هم نمی شن. و بعد زیر بغل مرد را گرفت و گفت: - بلند شو عمو، برو به فکری برا خودت بکن، به یکم ایمون تو زیادتر کن تحمل همه چیز آسون می شه.

وقتی که مرد از او تشکر کرد. لوطی با زمزمه همیشگی گفت (مولی سخی)، و هر دو به راه خود ادامه دادند و در تاریکی اسرار آمیز شب در میان هزاران چون و چرای ناگفتنی با یکدیگر شدند.

حکمت خدا

مردم منطقه جنوب وقتی که بوی زمستان به مشام شان می رسد، نفسی به راحتی می کشند و خیلی هام از بعد زمان گذشته، طراوت هوا و باران را روی پوست و گوشت شان لمس می کنند و احساس می کنند که دست تنه سرمای زمستان مرهمی است بر جراحت ناشی از بی مروتی ها و دریدگی گرمای سوزان تابستان، هر چند که بعضی وقت ها دست های این عجوزه هم کم از دریدگی آفتاب نمی آورد و برای خیلی ها بیماری و بدبختی را در سفره زندگیشان می گذارد. اما با وجود این دست خشکی بیشتر مردم جنوب ظهور زمستان را طلیعه نجات می داند و روزهایی که شامه منتظر و حساس نخل های دبروز و نتفیها امروز بوی طراوت باران و نسیم نمناک طلا به داران پاییز و زمستان واق این سازه سهیل را می برند گل از گل شان می شکند و لبخندی سبز بر لبان شان کاشته می شود، این حرف و حدیث ها را کسی خوش می فهمد که مهر داغ بی بی مروتی خورشید را بر پیشانی آن روزها هو اترم نرمک و آرام آرام سرد می شد. مردم جل و پلاسشان را از بالای پشت بام ها جمع می کردند و اول به ایوان ها و متهنایی ها و کم کم به داخل اتاق ها و بنج دری ها پناه می بردند. اوایل صبح بود. لوطی با دو سه نفر از دوستانش توی حیاط کوچک منزل شان روی

قربانی انسانیت...!!

● منوچهر مبیبی

حرکت ناجوانمردانه و غیر انسانی اسید پاشی معجزه به صورت آمنه بهرامی مدت ها سوژه خبری و گزارش های مطبوعات مجلات و رادیو و تلویزیون بود. عملی که منجر به آسیب و صدمات جبران ناپذیری از جمله از دست دادن بینایی و زیبایی آمنه و اذیت و آزار و درد ورنج وی گردید. طی این چند سالی که پرورنده این بنده خدا باز بود و حکم قصاص برای دادخواهی وی صادر گردید موارد مشابه از اسید پاشی و موارد دیگری از تعرض به حقوق دیگر شهروندان رخ داد. بی شک ما شاهد وقوع قتل ها بودیم موارد دلخراش از پا در آوردن عده ای از هم وطنان در کشورمان همه نگران کننده و غیر قابل قبول و دردناک بودند. تجاوز و تعدی به بانوان، اوج این نگرانی هاست. متأسفانه آنچه که عده ای را تشویق و ترغیب به انجام جرم و خلاف کرده و می کند به نوع برخورد قربانیان با متخلفین و متهمان برمی گردد. شاید آنچه در حق آمنه بهرامی شد گواه این ادعاست. از زمان وقوع این اقدام ضد بشری که ناشی از خودخواهی و هوسرانی مجرم بود تلاش های گسترده ای برای وادار کردن قربانی به عفو و گذشت از مجرم صورت گرفت هر چند که قربانی پس از طی مراحل قانونی و بر آورد ضرر و زیان از حکم قصاص صرفه نظر کرد



و دست به یک عمل انسانی در راستای حفظ ارزش های اخلاقی و دینی زد اما باز قربانی شد چرا که مجرم از پرداخت دیه سرپایز زد و دقیقاً یک ضعف قانونی در برخورد با چنین جرایمی آشکار گردید. چرا که دادستان برای جلب رضایت قربانی از صرف نظر کردن از قصاص، قول برخورداری وی از دریافت هزینه های درمانی از مجرم گرفت ولی به محض اعلام گذشت و رضایت آمنه در حضور مراجع قانونی و در دادگاه، مجرم از دادن دیه خودداری کرد و مقامات نیز اعلام نمودند که چون شاکی از حکم قصاص خود صرف نظر کرده از دریافت دیه نیز محروم می گردد. متأسفانه این عاقبت رافت و گذشت قربانیانی است که برای رضای خدا به آنان اجحاف می گردد. موارد بسیاری از چنین عاقبت و سرانجامی برای قربانیان رخ داده می دهد. به راستی چه کسی باید از خود انسانیت و فداکاری به خرج دهد کسانی که قربانی هستند یا کسانی که با شقاوت و سنگ دلی بازندگی مردم و با جان مردم بازی می کنند؟ یقیناً فشارهایی که از سوی خانواده های متهمین که بعضاً از سوی مجریان قانون مورد دلسوزی قرار می گیرند کار را به جاهای دیگری باریک کشانده است چرا ما توقع داریم کسی که قربانی شده و یا وابستگی قرانی دارای رافت و گذشت و انسانیت باشند؟ چرا این انسان دوستی و نوع دوستی را متخلفین و مجرمین و جانبان بیاید در وجودشان احساس کنند تا جلوی فجایع دردناک همچون اسید پاشی و قتل و خیانت گرفته شود؟



دست به یک عمل انسانی در راستای حفظ ارزش های اخلاقی و دینی زد اما باز قربانی شد چرا که مجرم از پرداخت دیه سرپایز زد و دقیقاً یک ضعف قانونی در برخورد با چنین جرایمی آشکار گردید. چرا که دادستان برای جلب رضایت قربانی از صرف نظر کردن از قصاص، قول برخورداری وی از دریافت هزینه های درمانی از مجرم گرفت ولی به محض اعلام گذشت و رضایت آمنه در حضور مراجع قانونی و در دادگاه، مجرم از دادن دیه خودداری کرد و مقامات نیز اعلام نمودند که چون شاکی از حکم قصاص خود صرف نظر کرده از دریافت دیه نیز محروم می گردد. متأسفانه این عاقبت رافت و گذشت قربانیانی است که برای رضای خدا به آنان اجحاف می گردد. موارد بسیاری از چنین عاقبت و سرانجامی برای قربانیان رخ داده می دهد. به راستی چه کسی باید از خود انسانیت و فداکاری به خرج دهد کسانی که قربانی هستند یا کسانی که با شقاوت و سنگ دلی بازندگی مردم و با جان مردم بازی می کنند؟ یقیناً فشارهایی که از سوی خانواده های متهمین که بعضاً از سوی مجریان قانون مورد دلسوزی قرار می گیرند کار را به جاهای دیگری باریک کشانده است چرا ما توقع داریم کسی که قربانی شده و یا وابستگی قرانی دارای رافت و گذشت و انسانیت باشند؟ چرا این انسان دوستی و نوع دوستی را متخلفین و مجرمین و جانبان بیاید در وجودشان احساس کنند تا جلوی فجایع دردناک همچون اسید پاشی و قتل و خیانت گرفته شود؟

حقوق مردم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

محمد مسعود کتلاور - دانشجوی کارشناسی ارشد (رشته حقوق عمومی)



وانگهی در فرض تفکیک حق از تکلیف و پذیرش حق بدون تکلیف، افراد زورمند و نافعان به حق خویش، بسیارند. اینان می گوشتند از راه حيله و تزویر یا از راه ارعاب و فشار، حقوق دیگران را پایمال کنند و رضایت نمی دهند که دیگران از حقوق خود بهره مند باشند، در این صورت بیان حقوق کارساز نیست، بلکه بیان تکلیف و تهدید به عقوبت است که کارساز می باشد. اسلام نه تنها دیگران را به رعایت حقوق افراد تکلیف کرده بلکه صاحب حق را نیز به گرفتن حق و دفاع از آن، مکلف ساخته است. قرآن کریم، به مردم مستمندیه اجازه می دهد که به بدگویی و بر خشاگری علیه ظالمان برخیزند بلکه بالاتر از آن، مسلمانان را مکلف کرده است که در راه نجات مستضعفان و مظلومان نبرد کنند، بکشند و کشته شوند تا شجره شوم استکبار از پای در آید و حقوق پایمال شده مستضعفان احیا گردد.

تألیکم لا تقاطلون فی سبیل الله و المستضعفین من الرجال و النساء و الولدان الذین یقولون ربنا اخرجنا من هذه القرية الظالم اهلها یعنی: چرا در راه خدا و در راه نجات مردان و زنان و کودکان مستضعفی که می گویند: «پروردگارا! ما را از این شهری که اهل آن ستمکارند خارج گردان.» نبرد نمی کنید؟! خلاصه اینکه برای امان حق بشر، تنها بیان حقوق کافی به نظر نمی رسد، بلکه باید با بیان تکلیف، افراد را به رعایت حقوق دیگران و نیز دفاع از حقوق خویش و دیگران، وادار کرد. تکلیفی که ضامن اجرای آن، هم عقاب دنیوی است و هم عقاب اخروی. اینک به شرح و تفسیر برخی از اصول اصل سوم (حقوق ملت) می پردازیم. اصل نوزدهم: برخورداری مردم از حقوق مساوی در این اصل آمده است: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.» در این اصل هر گونه امتیاز قومی، نژادی و قبیله ای منتفی اعلام گردیده است. مبنای این اصل، قرآن کریم و روایات است. در قرآن کریم آمده است: «یا ایها الناس اننا خلقناکم من ذکر و اُنثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان اکرهکم عند الله التافک» یعنی: ای مردم! ما همه شما را از یک زن و مرد آفریدیم و شما را گروه ها و قبایل مختلف قرار دادیم (تا به این وسیله) یکدیگر را باز شناسید، به درستی که گرامی ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث معروف فرموده است: «یا ایها الناس الا ان ریکم واحد و ان اباکم واحد، الا الا فضل لعربی علی اعجمی و لا اعجمی علی عربی و لا اسودعلی احمر و لا احمر علی اسود الا بالتقوی...» جابر بن عبدالله می گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در خطبه الوداع فرمودند: ای مردم بدانید که پروردگار همه شما یکی است و پدر شما نیز یکی است، آگاه باشید که هیچ عربی را بر عجم و عجمی را بر عرب و سیاهی را بر سرخ و سرخی را بر سیاه برتری نیست، مگر به برهیز کاری، همانا گرامی ترین شما نزد خدا برهیز کارترین شماست. از من طلب را رساندم؟ همه گفتند: آری ای پیامبر! حضرت فرمود: پس هر کس شاهد است این سخن را به غایب برساند. در قرآن کریم، اختلاف رنگ ها و زبان ها به عنوان یکی از آیات و نشانه های الهی معرفی شده است نه وسیله ای برای فخر بر دیگران: «و من آیات خلق السموات و الارض و اختلاف السننک و الوانک ان فی ذلک آیات للعالمین» ادامه دارد...

ادامه دارد...

چرا باید دندان عقل در بیشتر مواقع کشیده شود؟

دکتر محمد ابراهیم فورشیدی - دندانپزشک

به سویم دندان آسیاب بزرگ دندان عقل گفته می شود که تعداد آنها در هر فرد بالغ چهار عدد می باشد. دندان های عقل چون در سنین بلوغ یعنی از سن ۱۵ سالگی به بالا در دهان رویش پیدا می کند به نام دندان عقل مشهور گردیده است. بنابراین بر خلاف تصور خیلی از افراد، بود و نبود دندان عقل در دهان، هیچ ربطی به میزان عقل افراد ندارد. یک انسان بالغ که بین ۱۶ تا ۳۰ سال سن دارد با احتساب دندان های عقل بایستی تعداد ۳۲ دندان در دهان خود داشته باشد. البته استثنا هم وجود دارد که به طور خلاصه شرح داده می شود:



بر اساس تحقیقات علمی، انسان های اولیه که معمولاً خام خوار بوده اند و استخوان های فک آنها بزرگتر و قوی تر بوده است تعداد دندان های موجود در دهان آنها بیشتر از تعداد دندان های انسان های متقدم امروزی بوده است. اما به تدریج و با دگرگون شدن رژیم غذایی پس از گذشت قرن ها، اندازه فک در افراد کوچک تر و در نتیجه از تعداد دندان ها کاسته شده است. شاهد این تحقیقات در حال حاضر غایب بودن دندان های عقل در بعضی از افراد و کم بودن فضایی کافی برای رویش دندان عقل در اکثر بیماران می باشد. با توجه به این مطالب در بیشتر افراد به علت کوچکی فک فضای کافی برای رویش دندان عقل در آنها وجود ندارد، در نتیجه دندان عقل در این افراد یا به صورت نهفته باقی می ماند و یا مسیر رویش خود را کج کرده و به صورت انحرافی خارج می شود. و اگر در کشیدن این دندان ها غفلت شود عوارض زیادی بر جای می گذارد که شامل: ۱- دندان های مجاور در تحت فشار قرار داده و باعث جابه جایی دندان های مجاور می شود. ۲- باعث بروز دردهایی در نواحی فک و گوش و سر و... می شود. ۳- لته اطراف دندان عقل مربوطه ملتهب و دردناک و گاهی عفونی می شود. ۴- با توجه به اینکه مسواک زدن و تمیز کردن چنین دندان هایی بسیار مشکل است بنابراین پوسیدگی زودرس گریبانگیر دندان عقل می شود. پس برای رهایی از این مسائل بایستی هر چه زودتر دندان عقل مربوطه کشیده شود. چه موقع نباید دندان عقل کشیده شود اگر دندان عقل در دیف و موازی با دندان مجاور رویش یابد و هیچ گونه فشار غیر طبیعی به اطراف وارد نسازد و رعایت کردن بهداشت برای بیمار راحت باشد بایستی از کشیدن آن پرهیز کرد.